

## معرفی نامه پولس رسول به رومیان

پولس بر آن بود که از کلیسای شهر روم دیدار کند، ولی پیش از آن می‌بایست به معرفی خود و اعتقاداتش می‌پرداخت. نگارش این نامه راه را برای سفر پولس به روم هموار می‌کرد. قصد پولس آن بود که مدتی در خدمت مسیحیان آن شهر باشد و سپس با کمک و پشتیبانی آنان رهسپار اسپانیا شود. او در این نامه به تشریح درک خود از ایمان مسیحی و چگونگی کاربرد این ایمان در زندگی عملی و روزمره می‌پردازد. این کتاب پیام پولس را به جامع‌ترین شکل عرضه می‌دارد. موضوع اصلی این نامه، نقشه نجات خدا و چگونگی پارسا شمرده شدن انسانهاست، خواه یهودیان و خواه اقوام غیر یهود (۱۷:۱). برای تشریح این موضوع، پولس به بحث درباره نکات مهمی نظیر گناه، فیض، ایمان، تقدس، امنیت ایمانداران، و رابطه یهودیان و غیر یهودیان در نقشه نجات خدا می‌پردازد. این نامه، نظاممندترین اثر پولس است زیرا بیشتر به رساله‌ای الهیاتی و دقیق شباهت دارد تا نامه. در آن، پولس بیش از سایر نامه‌های خود از کتاب عهد عتیق نقل قول کرده است (بخصوص در فصلهای ۹ تا ۱۱). همچنین در این نامه است که پولس دیدگاه مسیحی را درباره وضعیت کنونی قوم اسرائیل و رستگاری آنان تشریح می‌کند.

### تقسیمبندی کلی

- ۱- مقدمه (۱:۱-۱۵)
- ۲- طرح موضوع رساله (۱:۱۶ و ۱۷)
- ۳- نیاز تمامی بشر به نجات (۱:۱۸ تا ۳:۲۰)
- ۴- طریق خدا برای نجات بشر (۳:۲۱ تا ۴:۲۵)
- ۵- زندگی و حیات تازه در مسیح (۵:۱ تا ۸:۳۹)
- ۶- قوم اسرائیل در نقشه خدا (۹:۱ تا ۱۱:۳۶)
- ۷- منبش و رفتار مسیحی (۱۲:۱ تا ۱۵:۱۳)
- ۸- بخش پایانی و سلامهای شخصی (۱۵:۱۴ تا ۱۶:۲۷)

# نامه پولس رسول به رومیان

از پولس، غلام مسیح عیسی،

که به رسالت فراخوانده شده و وقف انجیل خدا شده است؛<sup>۲</sup> همان انجیل که خدا از پیش، به واسطه پیامبران خود، وعده‌اش را در کتب مقدس داده بود،<sup>۳</sup> و درباره پسر اوست، که چون انسانی خاکی\* از صلب داوود به دنیا آمد،<sup>۴</sup> اما با رستاخیز از میان مردگان، به سبب\* روح قدوسیت، به مقام پسر قدرتمند خدا منصوب شد،\* یعنی خداوند ما عیسی مسیح.<sup>۵</sup> ما به واسطه وی و به خاطر نام او فیض یافتیم که رسول باشیم تا از میان همه غیر یهودیان، مردمان را به اطاعتی که در ایمان است، فراخوانیم.<sup>۶</sup> و این شما را نیز در بر می‌گیرد، که فراخوانده شده‌اید تا از آن عیسی مسیح باشید؛

<sup>۷</sup> به همه آنان که در روم، محبوب خدایند و فراخوانده شده‌اند تا از مقدسان\* باشند:

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد.

## اشتیاق پولس به دیدار از روم

<sup>۸</sup> نخست، خدای خود را به توسط عیسی مسیح، به خاطر همه شما شکر می‌گزارم زیرا آوازه ایمان شما در همه عالم پیچیده است.<sup>۹</sup> خدایی که او را با همه وجودم در کار انجیل پسرش خدمت می‌کنم، بر من شاهد است که چگونه

۳:۱ یا: «در عرصه جسم»، و یا: «به لحاظ نَسَب جسمانی».

۴:۱ یا: «در عرصه»، و یا: «به حسب».

۴:۱ یا: «(با قدرت) به عنوان پسر (قدرتمند) خدا تعیین (و یا اعلان) شد».

۷:۱ منظور قوم مقدس خدای یعنی مؤمنان به عیسی مسیح است؛ همچنین در بقیه عهد جدید.

پیوسته در دعاهایم شما را در همه اوقات یاد می‌کنم<sup>۱۰</sup> و استدعا می‌نمایم که اگر خدا بخواهد سرانجام به دیدار شما نایل شوم.<sup>۱۱</sup> زیرا مشتاق دیدارتان هستم تا عطایی روحانی به شما برسانم که موجب استواری‌تان گردد؛<sup>۱۲</sup> یعنی تا من و شما هر دو از ایمان یکدیگر دلگرم شویم.<sup>۱۳</sup> ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که بارها قصد آن داشته‌ام که نزدتان بیایم، اما هر بار مانعی پیش آمده است. بر آنم که در میان شما نیز محصولی برداشت کنم، همان‌گونه که در میان دیگر غیریهودیان کرده‌ام.

<sup>۱۴</sup> من خود را چه به یونانیان\* و چه به بربرها،\* چه به حکیمان و چه به جاهلان مدیون می‌دانم.<sup>۱۵</sup> از این رو، اشتیاق بسیار دارم که شما را نیز که در روم به سر می‌برید، بشارت دهم.

<sup>۱۶</sup> زیرا از انجیل سرافکننده نیستم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و سپس یونانی.<sup>۱۷</sup> زیرا در انجیل، آن پارسایی که از خداست\* به ظهور می‌رسد، که از آغاز تا به انجام بر پایه ایمان است.\* چنانکه نوشته شده است: «پارسا به ایمان زیست خواهد کرد.»\*

## غضب خدا بر بشر گناهکار

<sup>۱۸</sup> زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می‌رسد بر ضد هر گونه بی‌دینی و شرارت انسانهایی که با شرارت خود حقیقت را سرکوب می‌کنند.<sup>۱۹</sup> زیرا آنچه از خدا می‌توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار

۱۴:۱ مقصود از یونانیان، اقوام غیر یهود است.

۱۴:۱ «بربرها» به مردمان غیر یونانی اشاره دارد که زبان یونانی را نمی‌دانستند.

۱۷:۱ یا: «امانت خدا»، یا: «عمل پارسا شمارنده خدا».

۱۷:۱ یا: «که برخاسته از امانت و معطوف به ایمان است».

۱۷:۱ یا: «آن که به ایمان پارساست، زیست خواهد کرد».

۱۷:۱ حَبَقُوق ۴:۲.

ساخته است.<sup>۲۰</sup> زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت سرمدی و الوهیت او را می‌توان با ادراک از امور جهان مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست.

<sup>۲۱</sup> زیرا هر چند خدا را شناختند، اما او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دل‌های بی‌فهم ایشان را تاریکی فراگرفت.<sup>۲۲</sup> اگرچه ادعای حکمت می‌کردند، اما احمق گردیدند<sup>۲۳</sup> و جلال خدای غیرفانی را با تمثالهایی شبیه انسان فانی و پرندگان و حیوانات و خزندگان معاوضه کردند.

<sup>۲۴</sup> پس خدا نیز ایشان را در شهوات دلشان به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود بدنهای خویش را بی‌حرمت سازند.<sup>۲۵</sup> آنان حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالقی که تا ابد او را سپاس باد. آمین.

<sup>۲۶</sup> پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم‌آور به حال خود واگذاشت. حتی زنانشان، روابط غیرطبیعی را جایگزین روابط طبیعی کردند.<sup>۲۷</sup> به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم‌آور شده، مکافات درخور انحرافشان را در خود یافتند.

<sup>۲۸</sup> و همان‌گونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه واگذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند.<sup>۲۹</sup> ایشان از هرگونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت آکنده‌اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بدخواهی‌اند. شایعه‌ساز،<sup>۳۰</sup> تهمت‌زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شریرانه، راههایی نو ابداع می‌کنند. نافرمان به والدین،<sup>۳۱</sup> بی‌فهم، بی‌وفا، بی‌عاطفه و بی‌رحمند.<sup>۳۲</sup> هر چند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می‌شوند، تأیید می‌کنند.

## داوری عادلانه خدا

۲ پس تو ای آدمی که دیگری را محکوم می‌کنی، هر که باشی هیچ عذری نداری. زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می‌کنی، خویشتن را محکوم کرده‌ای؛ چون تو که داوری می‌کنی، خود همان را انجام می‌دهی. <sup>۲</sup> اما می‌دانیم که داوری خدا بر کسانی که این‌گونه اعمال را انجام می‌دهند، برحق است. <sup>۳</sup> پس تو ای آدمی که بر دیگران داوری می‌کنی و خود همان را انجام می‌دهی، آیا گمان می‌کنی که از داوری خدا خواهی رست؟ <sup>۴</sup> یا اینکه مهربانی، شکیبایی و تحمل عظیم او را خوار می‌شماری و غافلی که مهربانی خدا از آن روست که تو را به توبه رهنمون شود؟

<sup>۵</sup> اما تو به سبب سرسختی و دل ناتوبه‌کارت، غضب را نسبت به خود، برای روز غضب می‌اندوزی، روزی که در آن داوری عادلانه خدا آشکار خواهد شد. <sup>۶</sup> خدا «به هر کس مطابق اعمالش سزا خواهد داد.» <sup>۷</sup> او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان خواهد بخشید؛ <sup>۸</sup> اما بر خودخواهان و منکران حقیقت و شرارت‌پیشگان، خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت. <sup>۹</sup> هر کس که مرتکب اعمال بد شود دچار رنج و عذاب خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی. <sup>۱۰</sup> اما هر که نیکویی کند، از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی. <sup>۱۱</sup> زیرا خدا تبعیض قائل نمی‌شود.

<sup>۱۲</sup> همه کسانی که بدون شریعت گناه می‌کنند، بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد؛ و همه کسانی که زیر شریعت مرتکب گناه می‌شوند، بنا بر موازین شریعت داوری خواهند شد. <sup>۱۳</sup> زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا پارسایند، بلکه کسانی پارسا شمرده خواهند شد که به شریعت عمل می‌کنند.

<sup>۱۴</sup> برآستی، وقتی غیر یهودیان که شریعت ندارند، اصول شریعت را به صرافت طبع به جا می آورند، آنان هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند. <sup>۱۵</sup> زیرا نشان می دهند که عمل شریعت بر دلشان نگاشته شده است، چنان که وجدانشان گواهی می دهد و افکارشان در برابر هم، یا آنان را متهم می کند یا تبرئه می نماید. <sup>۱۶</sup> این در روزی به وقوع خواهد پیوست که خدا بنا بر انجیلی که من اعلام می کنم، رازهای نهان انسانها را به توسط عیسی مسیح به محاکمه کشد.

### یهودیان و شریعت خدا

<sup>۱۷</sup> حال، تو که خود را یهودی می خوانی و به شریعت تکیه داری و به رابطہات با خدا فخر می کنی، <sup>۱۸</sup> تو که اراده او را می دانی و چون از شریعت تعلیم یافته‌ای، بهترینها را برمی گزینی، <sup>۱۹</sup> و اطمینان داری که راهنمای کوران و نور ظلمت نشینانی، <sup>۲۰</sup> تو که به سبب برخورداری از شریعت که تبلور معرفت و حقیقت است، مربی جاهلان و آموزگار کودکانی، <sup>۲۱</sup> تو که دیگران را تعلیم می دهی، آیا خود را نمی آموزانی؟ تو که برضد دزدی موعظه می کنی، آیا خود دزدی می کنی؟ <sup>۲۲</sup> تو که می گویی نباید زنا کرد، آیا خود زنا می کنی؟ تو که از بتها نفرت داری، آیا خود معبدها را غارت می کنی؟ <sup>۲۳</sup> تو که به داشتن شریعت فخر می فروشی، آیا با زیر پا گذاشتن آن به خدا بی حرمتی می کنی؟ <sup>۲۴</sup> چنانکه نوشته شده است: «به سبب شما، غیر یهودیان به نام خدا کفر می گویند.»

<sup>۲۵</sup> ختنه آنگاه ارزش دارد که شریعت را به جا آورید، اما اگر آن را زیر پا بگذارید، مانند این است که ختنه نشده باشید. <sup>۲۶</sup> و اگر آنان که ختنه نشده‌اند، مطالبات شریعت را به جا آورند، آیا ختنه شده به شمار نمی آیند؟ <sup>۲۷</sup> آن که در جسم

ختنه نشده، اما شریعت را نگاه می‌دارد، تو را محکوم خواهد کرد، تو را که با وجود برخورداری از احکام نوشته شده و ختنه، شریعت را زیر پا می‌گذاری.

<sup>۲۸</sup> زیرا یهودی راستین آن نیست که به ظاهر یهودی باشد، و ختنه واقعی نیز امری جسمانی و ظاهری نیست. <sup>۲۹</sup> بلکه یهودی آن است که در باطن یهودی باشد و ختنه نیز امری است قلبی که به دست روح انجام می‌شود، نه به واسطه آنچه نوشته‌ای بیش نیست. \* چنین کسی را خدا تحسین می‌کند، نه انسان.

### امین بودن خدا

**۳** پس مزیت یهودی بودن چیست و ختنه را چه ارزشی است؟<sup>۲</sup> بسیار از هر لحاظ. نخست آنکه کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شده است.

<sup>۳</sup> اما اگر برخی از آنان امین نبودند، چه باید گفت؟ آیا امین نبودن آنها، امانت خدا را باطل می‌سازد؟<sup>۴</sup> به هیچ روی! حتی اگر همه انسانها دروغگو باشند، خدا راستگو است! چنانکه نوشته شده است:

«تا حقانیت تو در آنچه گفته‌ای ثابت گردد

و در داوری خود غالب آیی.»

<sup>۵</sup> اما اگر نادرستی ما درستی خدا را بیشتر آشکار می‌سازد، چه باید گفت؟ آیا خدا ظالم است آنگاه که بر ما غضب می‌کند؟ به شیوه انسان سخن می‌گوییم. <sup>۶</sup> به یقین چنین نیست. وگرنه خدا چگونه می‌توانست دنیا را داوری کند؟<sup>۷</sup> ممکن است کسی استدلال کند که «اگر با ناراستی من راستی خدا آشکارتر می‌گردد و او بیشتر جلال می‌یابد، دیگر چرا من به عنوان گناهکار محکوم می‌شوم؟»<sup>۸</sup> و چرا نگوییم: «بیایید بدی کنیم تا نیکویی حاصل آید»، چنانکه بعضی بر ما افترا زده، ادعا می‌کنند که چنین می‌گوییم؟ محکومیت اینان بس منصفانه است.

۲۹:۲ منظور نوشته شریعت است.

۴:۳ مزمور ۵۱:۴.

## کسی پارسا نیست

۹ پس چه باید گفت؟ آیا وضع ما بهتر\* از دیگران است؟ به هیچ روی! زیرا پیشتر ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو زیر سلطه گناهند. ۱۰ چنانکه نوشته شده است:

«هیچ کس پارسا نیست، حتی یک نفر.

۱۱ هیچ کس فهیم نیست،

هیچ کس در جستجوی خدا نیست.

۱۲ همه گمراه گشته‌اند،

همه باطل گردیده‌اند.

نیکوکاری نیست، حتی یک نفر.»

۱۳ «گلی آنان گوری گشاده است

و زبانشان به فریب سخن می‌گوید.»

«زهر افعی زیر لبهای ایشان است؛»

۱۴ «دهانشان پر از نفرین و تلخی است.»

۱۵ «پاهایشان به ریختن خون شتابان است؛

۱۶ هر کجا که می‌روند، ویرانی و تیره‌بختی بر جای می‌گذارند،

۱۷ و طریق صلح و سلامت را نمی‌شناسند.»

۱۸ «ترس خدا در چشمانشان نیست.»

۱۹ اکنون آگاهیم که آنچه شریعت می‌گوید خطاب به کسانی است که زیر

شریعتند تا هر دهانی بسته شود و دنیا به تمامی در پیشگاه خدا محکوم شناخته

۹:۳ یا «بدتر».

۱۲:۳ مزمور ۱۴:۱-۳؛ ۵۳:۱-۳؛ جامعه ۲۰:۷. ۱۳:۳ مزمور ۹:۵. ۱۳:۳ مزمور

۳:۱۴۰. ۱۴:۳ مزمور ۷:۱۰. ۱۷:۳ اِسْعَیَا ۷:۵۹ و ۸. ۱۸:۳ مزمور ۱:۳۶.



شود.<sup>۲۰</sup> زیرا هیچ بشری با به جا آوردن اعمال شریعت، در نظر خدا پارسا شمرده نمی شود، بلکه شریعت تنها گناه را به ما می شناساند.

## پارسا شمرده شدن از طریق ایمان

۲۱ اما اکنون جدا از شریعت، آن پارسایی که از خداست\* به ظهور رسیده است، چنانکه شریعت و پیامبران بر آن گواهی می دهند.<sup>۲۲</sup> این پارسایی که از خداست از راه ایمان به عیسی مسیح است و نصیب همه کسانی می شود که ایمان می آورند.\* در این باره هیچ تفاوتی نیست.<sup>۲۳</sup> زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند.<sup>۲۴</sup> اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی\* که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می شوند.<sup>۲۵</sup> خدا او را چون کفاره گناهان\* عرضه داشت، کفاره ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل می شود. او این را برای نشان دادن عدالت\* خود انجام داد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود.<sup>۲۶</sup> او چنین کرد تا عدالت خود را در زمان حاضر ثابت کند، و تا خود عادل\* باشد و کسی را نیز که به عیسی ایمان دارد، پارسا بشمارد.

۲۷ پس دیگر چه جای فخر است؟ از میان برداشته شده است! بر چه پایه ای؟ بر پایه شریعت اعمال؟ نه، بلکه بر پایه قانون ایمان.<sup>۲۸</sup> زیرا ما بر این اعتقادیم که انسان از راه ایمان و بدون انجام اعمال شریعت، پارسا شمرده می شود.

۲۱:۳ یا: «امانت خدا»، یا: «عمل پارسا شمارنده خدا».

۲۲:۳ یا: «این امانت خدا (عمل پارسا شمارنده خدا) از راه ایمان (امانت) عیسی مسیح است و معطوف به همه کسانی است که ایمان می آورند».

۲۴:۳ «بهای رهایی» یا «فدیه».

۲۵:۳ منظور از میان برداشتن گناه و برگرداندن غضب خدا از شخص گناهکار است. عبارت «کفاره گناهان» را می توان «تخت رحمت» نیز ترجمه کرد.

۲۵:۳ یا: «امانت»، یا: «عمل پارسا شمارنده»؛ همچنین در آیه ۲۶.

۲۶:۳ یا «امین».

از فرصتی که حکم پدید آورده بود، مرا فریفت و به واسطه آن مرا کشت.<sup>۱۲</sup> بنابراین، شریعت مقدّس است و حکم شریعت نیز مقدّس، عادلانه و نیکوست.

<sup>۱۳</sup> پس آیا آنچه نیکو بود، برای من باعث مرگ شد؟ هرگز! بلکه گناه به واسطه آنچه نیکو بود، مرگ را در من پدید آورد تا بدین گونه گناه بودنش جلوه گر شود و پلیدی گناه از طریق حکم شریعت به اوج برسد.

<sup>۱۴</sup> ما می دانیم که شریعت روحانی است، اما من انسانی نفسانی ام و همچون برده به گناه فروخته شده ام.<sup>۱۵</sup> من نمی دانم چه می کنم، زیرا نه آنچه را که می خواهم، بلکه آنچه را که از آن بیزارم، انجام می دهم.<sup>۱۶</sup> اما اگر آنچه را که نمی خواهم، انجام می دهم، پس می پذیرم که شریعت نیکوست.<sup>۱۷</sup> در این صورت، دیگر من نیستم که آن عمل را انجام می دهم، بلکه گناهی است که در من ساکن است.<sup>۱۸</sup> می دانم که در من، یعنی در نفس من،\* هیچ چیز نیکویی ساکن نیست. زیرا هرچند میل به انجام آنچه نیکوست در من هست، اما نمی توانم آن را به انجام رسانم.<sup>۱۹</sup> زیرا آن عمل نیکو را که می خواهم، انجام نمی دهم، بلکه عمل بدی را که نمی خواهم، به جا می آورم.<sup>۲۰</sup> حال اگر دست به عملی می زنم که نمی خواهم انجام دهم، پس دیگر من انجام دهنده آن نیستم، بلکه گناهی است که در من ساکن است.

<sup>۲۱</sup> پس این قانون را می یابم که وقتی می خواهم نیکویی کنم، بدی نزد من است.<sup>۲۲</sup> من در باطن از شریعت خدا مسرورم،<sup>۲۳</sup> اما قانونی دیگر در اعضای خود می بینم که با شریعتی که ذهن من آن را می پذیرد، در ستیز است و مرا اسیر قانون گناه می سازد که در اعضای من است.<sup>۲۴</sup> آه که چه شخص نگونبختی هستم! کیست که مرا از این پیکر مرگ رهایی بخشد؟<sup>۲۵</sup> خدا را سپاس باد - به واسطه خداوند ما عیسی مسیح!

باری، من با ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم، اما با نفس خود قانون گناه را.

## زندگی به واسطه روح

پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست، زیرا در مسیح عیسی، قانون روح حیات مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرد؛<sup>۳</sup> چون آنچه شریعت قادر به انجامش نبود، از آن رو که به سبب انسان نفسانی ناتوان بود، خدا به انجام رسانید. او پسر خود را به شباهت انسان گناهکار فرستاد تا «قربانی گناه» باشد،\* و بدین سان در پیکری بشری، حکم محکومیت گناه را اجرا کرد<sup>۴</sup> تا آنچه شریعت مطالبه می‌کند، در ما تحقق یابد، در ما که نه بر طبق نفس\* بلکه بر طبق روح رفتار می‌کنیم.

<sup>۵</sup> آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که روحانی‌اند، به آنچه از روح است. <sup>۶</sup> طرز فکر انسان نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در سیطره روح قرار دارد، حیات و آرامش است. <sup>۷</sup> زیرا طرز فکر انسان نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد،<sup>۸</sup> و کسانی که در سیطره نفس هستند،\* نمی‌توانند خدا را خوشنود سازند.

<sup>۹</sup> اما شما نه در سیطره نفس، بلکه در سیطره روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست. <sup>۱۰</sup> اما اگر مسیح در شماست، هر چند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است. <sup>۱۱</sup> و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان

۳:۸ یا: «در شباهت انسان گناهکار و برای گناه فرستاد».

۴:۸ یا: «بر طبق خواسته‌ها و معیارهای انسان نفسانی»؛ همچنین در آیه ۱۳.

۸:۸ یا: «در وضع انسان نفسانی به سر می‌برند»، همچنین در آیه ۹.

برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.

<sup>۱۲</sup> پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به نفس، تا بر طبق آن زندگی کنیم. <sup>۱۳</sup> زیرا اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست. <sup>۱۴</sup> زیرا آنان که به وسیله روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند. <sup>۱۵</sup> چرا که شما روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان باشید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که به واسطه آن ندا درمی‌دهیم: «آبا،\* پدر.» <sup>۱۶</sup> و روح خود با\* روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خداییم. <sup>۱۷</sup> و اگر فرزندانیم، پس وارثان نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم‌ارث با مسیح. زیرا اگر در رنجهای مسیح شریک باشیم، در جلال او نیز شریک خواهیم بود.

## جلال آینده

<sup>۱۸</sup> در نظر من، رنجهای زمان حاضر در قیاس با جلالی که در ما آشکار خواهد شد، هیچ است. <sup>۱۹</sup> جهان خلقت با اشتیاق تمام در انتظار ظهور پسران خداست. <sup>۲۰</sup> زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به اراده او که آن را تسلیم کرد، با این امید که <sup>۲۱</sup> خود خلقت نیز از بندگی فساد رهایی خواهد یافت و در آزادی پر جلال فرزندان خدا سهیم خواهد شد. <sup>۲۲</sup> ما می‌دانیم که تمام خلقت تا هم‌اکنون از دردی همچون درد زایمان می‌نالند. <sup>۲۳</sup> و نه تنها خلقت،\* بلکه خود ما نیز که از نویر روح برخورداریم، در درون خویش ناله برمی‌آوریم، در همان حال که مشتاقانه در انتظار پسرخواندگی، یعنی رهایی بدنهای خویش هستیم. <sup>۲۴</sup> زیرا با همین امید نجات یافتیم. اما امیدی

۱۵:۸ «آبا» در زبان آرامی به معنی «بابا» است.

۱۶:۸ یا «به».

۲۳:۸ یا: «و نه تنها این».

که به دست آمد، دیگر امید نیست. چگونه کسی می تواند به امید چیزی باشد که آن را یافته است؟<sup>۲۵</sup> اما اگر به چیزی امیدواریم که هنوز ندیده ایم، بردبارانه انتظارش را می کشیم.

<sup>۲۶</sup> و روح نیز در ضعف ما به یاری مان می آید، زیرا نمی دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما روح با ناله هایی بیان ناشدنی، برای ما شفاعت می کند.<sup>۲۷</sup> و او که کاوشگر دلهاست، فکر روح را می داند، زیرا روح مطابق با اراده خدا برای مقدّسان شفاعت می کند.

### پیروزی در مسیح

<sup>۲۸</sup> می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فراخوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.<sup>۲۹</sup> \* زیرا آنان را که از پیش شناخت، ایشان را همچنین از پیش معین فرمود تا به شکل پسرش در آیند، تا او فرزند ارشد از برادران بسیار باشد.<sup>۳۰</sup> و آنان را که از پیش معین فرمود، همچنین فراخواند؛ و آنان را که فراخواند، همچنین پارسا شمرد؛ و آنان را که پارسا شمرد، همچنین جلال بخشید.

<sup>۳۱</sup> در برابر همه اینها چه می توانیم گفت؟ اگر خدا با ماست، کیست که بتواند برضد ما باشد؟<sup>۳۲</sup> او که از پسر خود دریغ نکرد، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟<sup>۳۳</sup> کیست که برگزیدگان خدا را متهم کند؟ خداست که آنها را پارسا می شمارد!<sup>۳۴</sup> کیست که محکومشان کند؟ مسیح عیسی که مرد، بلکه برخیزانیده نیز شد و به دست راست خداست، اوست که برای ما شفاعت می کند!<sup>۳۵</sup> کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ سختی یا فشار یا آزار یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟<sup>۳۶</sup> چنانکه نوشته

---

۲۸:۸ یا: «می دانیم خدا در حق آنان که دوستش می دارند و بر طبق اراده اش فراخوانده شده اند، همه چیز را با هم برای خیریت به کار می گیرد» و یا: «می دانیم که در همه چیزها، خدا برای خیریت کسانی که او را دوست می دارند... مشغول کار است».

شده است: «تمام طول روز، در راه تو به کام مرگ می‌رویم و همچون گوسفندان گشتاری شمرده می‌شویم.»

<sup>۳۷</sup> به عکس، در همهٔ این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطهٔ او که ما را محبت کرد. <sup>۳۸</sup> زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی، <sup>۳۹</sup> و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.

## گزینش الهی

**۹** در مسیح راست می‌گویم، نه دروغ، و وجدانم به واسطهٔ روح القدس مرا گواه است که <sup>۲</sup> در قلب خود دردی جانکاه و اندوهی همیشگی دارم. <sup>۳</sup> زیرا آرزو می‌داشتم در راه برادرانم، یعنی آنان که هم‌نژاد منند، ملعون شوم و از مسیح محروم گردم. <sup>۴</sup> آنها اسرائیلی‌اند و فرزندخواندگی، جلال الهی، عهدها، و دیعهٔ شریعت، عبادت در معبد، و وعده‌ها، همه از آن ایشان است؛ <sup>۵</sup> و نیز پدران به ایشان تعلق دارند، و مسیح به لحاظ بشری از نسل آنان است، خدای مافوق همه که او را تا به ابد سپاس باد.\* آمین.

<sup>۶</sup> حال، مقصود این نیست که کلام خدا به انجام نرسیده است، زیرا همهٔ کسانی که از قوم اسرائیل‌اند، براستی اسرائیلی نیستند؛ <sup>۷</sup> و نیز همهٔ کسانی که از نسل ابراهیم‌اند، فرزندان او شمرده نمی‌شوند. بلکه گفته شده است: «نسل تو از اسحاق محسوب خواهد شد.»\* <sup>۸</sup> به دیگر سخن، فرزندان جسمانی نیستند که

۵:۹ یا: «و مسیح که مافوق همه است، به لحاظ انسانی از نسل آنان است. خدا را تا به ابد سپاس باد» یا: «و مسیح به لحاظ انسانی از نسل آنان است. خدا را که مافوق همه است تا به ابد سپاس باد».

۷:۹ یا: «نسل تو در اسحاق فراخوانده خواهد شد».

۳۶:۸ مزمور ۲۲:۴۴. ۷:۹ پیدایش ۱۲:۲۱.

فرزند خدایند، بلکه فرزندان وعده نسل ابراهیم شمرده می‌شوند.<sup>۹</sup> زیرا وعده این بود که «در زمان مقرر باز خواهم گشت و سارا صاحب پسری خواهد شد.»

<sup>۱۰</sup> نه تنها این، بلکه فرزندان ربکا نیز از یک پدر، یعنی از جد ما اسحاق بودند. <sup>۱۱</sup> اما پیش از آنکه پسرانِ توأمان به دنیا بیایند، و یا عملی خوب یا بد انجام دهند - برای اینکه مقصود خدا در گزینش استوار بماند،<sup>۱۲</sup> نه از راه اعمال، بلکه به واسطهٔ او که انسان را فرامی‌خواند - به ربکا گفته شد که «بزرگتر کوچکتر را بندگی خواهد کرد.»<sup>۱۳</sup> چنانکه نوشته شده است: «یعقوب را دوست داشتیم، اما از عیسو بیزار بودم.»

<sup>۱۴</sup> پس چه گوئیم؟ آیا خدا بی‌انصاف است؟ هرگز!<sup>۱۵</sup> زیرا به موسی می‌گوید: «رحم خواهم کرد بر هر که نسبت به او رحیم هستم؛

و شفقت خواهم کرد بر هر که نسبت به او شفقت دارم.»

<sup>۱۶</sup> بنابراین، به خواست یا تلاش انسان بستگی ندارد، بلکه به خدایی بستگی دارد که رحم می‌کند. <sup>۱۷</sup> زیرا کتاب به فرعون می‌گوید: «تو را به همین منظور برانگیختم تا قدرت خود را در تو ظاهر سازم، و نامم در تمامی جهان اعلام گردد.»<sup>۱۸</sup> پس خدا بر هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سختدل می‌سازد.

<sup>۱۹</sup> مرا خواهی گفت: «پس دیگر چرا ما را سرزنش می‌کند؟ زیرا کیست که بتواند در برابر ارادهٔ او ایستادگی کند؟»<sup>۲۰</sup> اما ای انسان، تو کیستی که با خدا مجادله کنی؟ «آیا مصنوع می‌تواند به صانع خود بگوید چرا مرا چنین ساختی؟»<sup>۲۱</sup> آیا کوزه‌گر اختیار ندارد که از توده گلی واحد، ظرفی برای مصارف مهم و ظرفی دیگر برای مصارف معمولی بسازد؟

<sup>۲۲</sup> چه می‌توان گفت اگر خدا با اینکه می‌خواهد غضب خود را نشان دهد و قدرت خویش را نمایان سازد، ظروف مورد غضب را که برای هلاکت آماده

۹:۹ پیدایش ۱۸:۱۰ و ۱۴. ۱۲:۹ پیدایش ۲۵:۲۳. ۱۳:۹ ملاکی ۲:۱ و ۳.

۱۵:۹ خروج ۳۳:۱۹. ۱۷:۹ خروج ۹:۱۶. ۲۰:۹ اِسْعِیَا ۲۹:۱۶ و ۴۵:۹.

شده‌اند با بردباری بسیار تحمل کند،<sup>۳۳</sup> تا بتواند عظمت جلال خود را بر ظروفِ مورد رحمت معلوم گرداند، ظرفی که آنان را پیشاپیش برای جلال آماده کرده است؟<sup>۳۴</sup> این ظروفِ مورد رحمت، ما را نیز که از سوی او فراخوانده شده‌ایم، شامل می‌شود، نه تنها از یهودیان، بلکه از غیریهودیان نیز.<sup>۳۵</sup> چنانکه در هوشع می‌گوید:

«آنان را که قوم من نبودند، "قوم خویش" خواهم خواند،  
و او را که محبوب من نبود، "محبوب خویش" خواهم نامید.»

<sup>۳۶</sup> و نیز:

«چنین خواهد شد که در همان جایی که به ایشان گفته شد:  
"شما قوم من نیستید"،

ایشان "پسران خدای زنده" خوانده خواهند شد.»

<sup>۳۷</sup> و اِسْعِیا دربارهٔ قوم اسرائیل ندا در می‌دهد که: «حتی اگر شمار بنی اسرائیل به اندازهٔ شنهای ساحل دریا باشد، تنها باقیمانده‌ای از آنان نجات خواهند یافت.  
<sup>۳۸</sup> زیرا خداوند حکم خود را به طور کامل و قطعی بر زمین اجرا خواهد کرد.»<sup>۳۹</sup> و چنانکه اِسْعِیا پیشگویی کرده است:

«اگر خداوند لشکرها نسلی برای ما باقی نمی‌گذاشت،  
مانند سُدوم و همچون عَمُورَه می‌شدیم.»

### بی‌ایمانی قوم اسرائیل

<sup>۳۰</sup> پس چه گوییم؟ غیریهودیانی که در پی پارسایی نبودند، آن را به دست آوردند، یعنی آن پارسایی را که از ایمان حاصل می‌شود؛<sup>۳۱</sup> اما قوم اسرائیل که در پی شریعتِ پارسایی بودند، آن را به دست نیاوردند.<sup>۳۲</sup> چرا؟ زیرا نه از راه ایمان، بلکه از طریق اعمال در پی آن بودند. آن «سنگ لغزش» موجب لغزیدن

۲۵:۹ هوشع ۲:۲۳. ۲۶:۹ هوشع ۱:۱۰. ۲۸:۹ اِسْعِیا ۱۰:۲۲ و ۲۳.

۲۹:۹ اِسْعِیا ۱:۹.



آنها شد. <sup>۳۳</sup> چنانکه نوشته شده است:

«هان در صهیون سنگی قرار می‌دهم که سبب لغزش شود،  
و صخره‌ای می‌نهم که موجب سقوط گردد؛  
و آن که بر او توکل کند،  
سرافکنده نشود.»

۱۰ ای برادران، آرزوی قلبی و دعای من به درگاه خدا برای قوم اسرائیل این است که نجات یابند. <sup>۲</sup> زیرا دربارهٔ ایشان می‌توانم شهادت دهم که برای خدا غیرت دارند، اما نه از روی معرفت. <sup>۳</sup> زیرا به سبب ناآگاهی از آن پارسایی که از خداست،\* و از آن رو که در پی اثبات پارسایی خویش بودند، در برابر آن پارسایی که از خداست، سر فرود نیاوردند. <sup>۴</sup> زیرا مسیح غایت\* شریعت است تا هر که ایمان آورد، پارسا شمرده شود.

<sup>۵</sup> موسی آن پارسایی را که از شریعت است چنین توصیف می‌کند: «کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت.» <sup>۶</sup> اما پارسایی مبتنی بر ایمان می‌گوید: «در دل خود مگو "کیست که به آسمان صعود کند؟" - یعنی تا مسیح را فرود آورد- <sup>۷</sup> یا "کیست که به جهان زیرین نزول کند؟" - یعنی تا مسیح را از مردگان بازآورد. <sup>۸</sup> و در مقابل، چه می‌گوید؟ اینکه «این کلام نزدیک تو، در دهان تو، و در دل توست.» این همان کلام ایمان است که ما وعظ می‌کنیم، <sup>۹</sup> که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. <sup>۱۰</sup> زیرا در دل است که شخص ایمان می‌آورد و پارسا شمرده می‌شود، و با زبان است که اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد. <sup>۱۱</sup> چنانکه کتاب می‌گوید: «هر که بر او توکل

۳: ۱۰ یا: «امانت خدا»، و یا: «عمل پارسا شمرندهٔ خدا»؛ همچنین در ادامهٔ آیه.

۴: ۱۰ یا «پایان».

۳۳: ۹ اِشْعِيَّا ۸: ۱۴ و ۱۶: ۲۸. ۵: ۱۰ لاویان ۱۸: ۵. ۶: ۱۰ تثنیه ۳۰: ۱۲.

۷: ۱۰ تثنیه ۳۰: ۱۳. ۸: ۱۰ تثنیه ۳۰: ۱۴.

کند، سرافکنده نشود.»<sup>۱۲</sup> زیرا میان یهود و یونانی تفاوتی نیست، چرا که همان خداوند، خداوند همه است و همه کسانی را که او را می خوانند، به فراوانی برکت می دهد.<sup>۱۳</sup> زیرا «هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.»

<sup>۱۴</sup> اما چگونه کسی را بخوانند که به او ایمان نیاورده اند؟ و چگونه به کسی ایمان آورند که از او نشنیده اند؟ و چگونه بشنوند، اگر کسی به آنان موعظه نکند؟<sup>۱۵</sup> و چگونه موعظه کنند، اگر فرستاده نشوند؟ چنانکه نوشته شده است: «چه زیباست پاهای کسانی که بشارت می آورند.»

<sup>۱۶</sup> اما همگان بشارت را نپذیرفتند، زیرا اِشعیا می گوید: «کیست، ای خداوند، که پیام ما را باور کرده باشد؟»<sup>۱۷</sup> پس ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می گیرد و شنیدن پیام، از طریق کلام مسیح میسر می شود.<sup>۱۸</sup> اما می پرسیم: آیا نشنیدند؟ البته که شنیدند:

«صدای ایشان در تمامی زمین پیچیده،

و کلامشان به کرانهای جهان رسیده.»

<sup>۱۹</sup> باز می پرسیم: آیا اسرائیل آنچه را که شنید، درک نکرد؟ نخست، موسی می گوید:

«به واسطه آنها که قومی به حساب نمی آیند،

شما را به غیرت خواهم آورد؛

و به واسطه قومی که درک و فهم ندارد،

خشم شما را بر خواهم انگیخت.»

<sup>۲۰</sup> سپس، اِشعیا جسورانه می گوید:

«آنان که مرا جستجو نکردند، یافتند

و خویشان را بر کسانی که مرا نطلبیدند، آشکار ساختم.»

۲۱ اما دربارهٔ اسرائیل می‌گوید:

«همهٔ روز دستهای خود را دراز کردم

به سوی قومی نافرمان و گردنکش.»

## باقیمانده‌گان اسرائیل

۱۱ پس می‌پرسم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ هرگز؛ زیرا من خود اسرائیلی‌ام، از نسل ابراهیم و از قبیلهٔ بنی‌امین.<sup>۲</sup> خدا قوم خود را که از پیش شناخت، رد نکرده است. آیا نمی‌دانید کتاب دربارهٔ الیاس چه می‌گوید؟ دربارهٔ اینکه او چگونه از دست قوم اسرائیل نزد خدا استغاثه کرد و گفت: «خداوندا، ایشان پیامبران تو را کشته و مذبح‌های تو را ویران کرده‌اند. تنها من باقی مانده‌ام و اکنون قصد جان مرا نیز دارند.»<sup>۴</sup> اما پاسخ خدا به او چه بود؟ اینکه «من برای خود هفت هزار تن را نگاه داشته‌ام که در برابر بعل زانو نزده‌اند.»<sup>۵</sup> به همین سان، در زمان حاضر نیز باقیمانده‌گانی هستند که از راه فیض انتخاب شده‌اند.<sup>۶</sup> اما اگر از راه فیض باشد، دیگر بر پایهٔ اعمال نیست؛ وگرنه فیض دیگر فیض نیست. [اما اگر از راه اعمال باشد، دیگر بر پایهٔ فیض نیست؛ وگرنه عمل دیگر عمل نیست.]

۷ پس چه نتیجه می‌گیریم؟ اینکه اسرائیل آنچه را مشتاقانه در پی کسبش بود، به دست نیاورد. اما برگزیدگان به دست آوردند و دیگران به سخت‌دلی دچار شدند.<sup>۸</sup> چنانکه نوشته شده است:

«تا به امروز خدا روح رخوت به آنان داد

و چشمانی که نتوانند ببینند

و گوشهایی که نتوانند بشنوند.»

۹ و داوود می‌گوید:

«سفرهٔ ایشان برایشان دام و تله باشد

۱۰:۲۱ اِسْعِیَّا ۶۵:۲. ۱۱:۳ اول پادشاهان ۱۹:۱۰ و ۱۴. ۴:۱۱ اول پادشاهان

۱۸:۱۹. ۱۱:۸ تَنبیه ۲۹:۴ و اِسْعِیَّا ۱۰:۲۹.

و به سنگ لغزش و مکافات بدل گردد.

<sup>۱۰</sup> چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند

و کمرهایشان همواره خمیده گردد.»

<sup>۱۱</sup> باز می‌پرسم: آیا لغزیدن تا برای همیشه بیفتند؟ هرگز! بلکه با نافرمانی آنان، غیریهودیان از نجات بهره‌مند شدند، تا در قوم اسرائیل غیرت پدید آید. <sup>۱۲</sup> اما اگر نافرمانی آنها باعث غنای جهان گشت و شکستشان باعث غنای غیریهودیان، کامل شدن تعدادشان چه نتایج بس عظیمتری در پی خواهد داشت؟

<sup>۱۳</sup> روی سخنم با شما غیریهودیان است. از آنجا که من رسول غیریهودیانم، به خدمت خود بسیار می‌بالم، <sup>۱۴</sup> با این امید که همزادان خود را به غیرت آورم و برخی از آنان را نجات بخشم. <sup>۱۵</sup> زیرا اگر رد شدن ایشان به معنی آشتی جهان است، پذیرفته شدنشان چه خواهد بود، جز حیات از مردگان؟ <sup>۱۶</sup> اگر تکه‌ای از توده خمیر که به عنوان نوبر تقدیم می‌شود، مقدّس باشد، در این صورت، تمامی آن خمیر مقدّس است؛ و اگر ریشه مقدّس باشد، پس شاخه‌ها نیز مقدّسند.

<sup>۱۷</sup> و اگر برخی از شاخه‌ها بریده شدند و تو که شاخهٔ زیتون وحشی بودی در میان شاخه‌های دیگر به درخت زیتون پیوند شدی و اکنون از شیرۀ مقوی ریشهٔ آن تغذیه می‌کنی، <sup>۱۸</sup> بر آن شاخه‌ها فخر مفروش. اگر چنین می‌کنی، به یاد داشته باش که تو حامل ریشه نیستی، بلکه ریشه حامل توست. <sup>۱۹</sup> شاید بگویی: «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند شوم.» <sup>۲۰</sup> راست می‌گویی. اما آنها به علت بی‌ایمانی بریده شدند و تو تنها به ایمان استواری. پس مغرور مباش بلکه بترس. <sup>۲۱</sup> زیرا اگر خدا بر شاخه‌های طبیعی شفقت نکرد، بر تو نیز شفقت نخواهد کرد.

<sup>۲۲</sup> پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر داشته باش؛ سختگیری به کسانی که سقوط کرده‌اند، اما مهربانی به تو، البته به این شرط که در مهربانی او ثابت بمانی؛ وگرنه تو نیز بریده خواهی شد. <sup>۲۳</sup> و اگر آنها نیز در بی‌ایمانی لجاجت

نورزند، باز پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است آنها را بار دیگر پیوند بزند. <sup>۲۴</sup> زیرا اگر تو از درختِ زیتونِ وحشی بریده شدی و برخلاف طبیعتت به درختِ زیتونِ آزاد پیوند گشتی، پس چقدر بیشتر شاخه‌های اصلی می‌توانند به درختِ زیتونی که از آن بریده شدند، پیوند شوند.

## نجات اسرائیل

<sup>۲۵</sup> ای برادران، نمی‌خواهم از این راز غافل باشید - مبدا خود را دانا بیندازید - که سختدلی بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است، تا وقتی که شمار کامل غیریهودیان داخل گردند. <sup>۲۶</sup> و اینچنین تمامی اسرائیل نجات خواهد یافت. چنانکه نوشته شده است:

«رهاننده‌ای از صهیون خواهد آمد

و بی‌دینی را از یعقوب بر خواهد انداخت.

<sup>۲۷</sup> و این عهد من با ایشان خواهد بود

هنگامی که گناهانشان را از میان بردارم.»

<sup>۲۸</sup> به لحاظ انجیل، به خاطر شما، دشمن‌اند؛ اما به لحاظ گزینش الهی، به خاطر پدران، محبوب خدایند. <sup>۲۹</sup> زیرا خدا هرگز عطایا و دعوت خود را باز پس نمی‌گیرد. <sup>۳۰</sup> درست همان‌گونه که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید، اما اکنون در نتیجه نافرمانی ایشان رحمت یافته‌اید، <sup>۳۱</sup> ایشان نیز اکنون نافرمان شده‌اند تا در نتیجه رحمت خدا بر شما، [اکنون] بر ایشان نیز رحم شود. <sup>۳۲</sup> زیرا خدا همه را در بند نافرمانی نهاده، تا بر همگان رحمت کند.

## سرود حمد

<sup>۳۳</sup> وه که چه ژرف است دولت و حکمت و علم خدا؛

تقدیرهای او کاوش ناپذیر است  
و راههایش درک ناشدنی.

۳۴ «زیرا کیست که از فکر خداوند آگاه بوده

و یا مشاور او بوده باشد؟»

۳۵ «چه کسی تا کنون چیزی به خدا بخشیده

که بخواهد از او عوض بگیرد؟»

۳۶ زیرا همه چیز از او، و به واسطه او، و برای اوست.

او را تا ابد جلال باد. آمین.

## قربانیهای زنده

۱۲ پس ای برادران، در پرتو رحمتهای خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا، به او تقدیم کنید که عبادت معقول\* شما همین است. ۲ و دیگر همشکل این عصر\* مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص خواست خدا خواهید بود؛ خواست نیکو، پسندیده و کامل او.

۳ زیرا به واسطه فیضی که به من عطا شده است، هر یک از شما را می‌گویم که خود را بیش از آنچه می‌باید، میندازید، بلکه هر یک به فراخور میزان ایمانی\* که خدا به شما بخشیده است، واقع‌بینانه درباره خود قضاوت کنید. ۴ زیرا همان‌گونه که هر یک از ما را بدنی واحد است که از اعضای بسیار تشکیل شده و کار همه این اعضا یکسان نیست، ۵ ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل

۱:۱۲ یا «روحانی».

۲:۱۲ یا: «این دنیا».

۳:۱۲ یا: «به فراخور آن مقیاس ایمانی».

۳۴:۱۱ اِسْعِیَا ۴۰:۱۳ و اِرْمِیَا ۲۳:۱۸. ۳۵:۱۱ ایوب ۴۱:۱۱.

می‌دهیم و هر یک، اعضای یکدیگریم. <sup>۶</sup> برحسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم. اگر عطای کسی نبوت است، آن را متناسب با ایمانش به کار گیرد. <sup>۷</sup> اگر خدمت است، خدمت کند. اگر تعلیم است، تعلیم دهد. <sup>۸</sup> اگر تشویق است، تشویق نماید. اگر کمک به نیازمندان است، با سخاوت چنین کند. اگر رهبری است، این کار را با جدیت انجام دهد. و اگر رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به این کار مشغول باشد.

### جلوه‌های گوناگون محبت

<sup>۹</sup> محبت باید بی‌ریا باشد. از بدی بیزار باشید و به آنچه نیکوست، سخت بچسبید. <sup>۱۰</sup> با محبت برادرانه سرسپرده هم باشید. در احترام گذاشتن به یکدیگر، از هم پیشی بگیرید. <sup>۱۱</sup> هیچگاه غیرت شما فروکش نکند؛ در روح شعله‌ور باشید و خداوند را خدمت کنید. <sup>۱۲</sup> در امید شادمان، در سختیها شکیبیا و در دعا ثابت قدم باشید. <sup>۱۳</sup> در رفع احتیاجات مقدّسان سهیم شوید و میهمان‌نواز باشید.

<sup>۱۴</sup> برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلید؛ برکت بطلید و لعن نکنید! <sup>۱۵</sup> با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید. <sup>۱۶</sup> برای یکدیگر ارزش برابر قائل باشید! مغرور نباشید، بلکه با کسانی که از طبقات محرومند، معاشرت کنید. \* خود را برتر از دیگران مپندارید.

<sup>۱۷</sup> به هیچ‌کس به سزای بدی، بدی نکنید. دقت کنید که آنچه را در نظر همگان پسندیده است، به‌جای آورید. <sup>۱۸</sup> اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید. <sup>۱۹</sup> ای عزیزان، خود انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که «خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد."» <sup>۲۰</sup> برعکس، «اگر دشمنت گرسنه

باشد، به او خوراک بده، و اگر تشنه باشد، به او آب بنوشان. اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت.»<sup>۲۱</sup> مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی مغلوب ساز.

## اطاعت از صاحبان قدرت

**۱۳** هر کس باید تسلیم قدرتهای حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرتهایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده‌اند. <sup>۲</sup> پس آن که بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می‌کنند، مجازات را برای خود می‌خرند. <sup>۳</sup> زیرا راستگرداران از حکمرانان هراسی ندارند، اما خلافکاران از آنها می‌ترسند. آیا می‌خواهی از صاحب قدرت هراسی نداشته باشی؟ آنچه را که درست است، انجام بده که تو را تحسین خواهد کرد. <sup>۴</sup> زیرا خدمتگزار خداست تا به تو نیکویی کند. اما اگر مرتکب کار خلاف شوی، بترس، زیرا شمشیر را بی‌جهت حمل نمی‌کند. او خدمتگزار خدا و مجری غضب است تا کسی را که مرتکب کار خلاف شده است، کیفر دهد. <sup>۵</sup> پس آدمی باید نه تنها برای پرهیز از غضب، بلکه به سبب وجدان خود نیز تسلیم قدرتها باشد.

<sup>۶</sup> به همین سبب نیز مالیات می‌پردازید، زیرا صاحبان قدرت که تمام وقت خود را وقف کار حکومت می‌کنند، خدمتگزاران خدایند. <sup>۷</sup> به هر کس آنچه را حق اوست، بدهید؛ اگر مالیات است، مالیات بدهید؛ اگر خراج است، خراج بپردازید؛ اگر احترام است، احترام بگذارید؛ و اگر اکرام است، تکریم کنید.

## محبت، چون تحقق شریعت

<sup>۸</sup> هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت



کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می آورد. <sup>۹</sup> زیرا احکام «زنا مکن»، «قتل مکن»، «دزدی مکن»، «طمع مورز»، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می شود که «همسایهات را همچون خویشان محبت نما». <sup>۱۰</sup> محبت، به همسایه خود بدی نمی کند؛ پس محبت تحقق شریعت است.

<sup>۱۱</sup> و شما با آگاهی از این که در چه زمانی به سر می برید، چنین کنید. زیرا هم اکنون ساعت آن رسیده است که از خواب بیدار شوید، چرا که اکنون در مقایسه با زمانی که ایمان آوردیم، نجات ما نزدیکتر شده است. <sup>۱۲</sup> شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیایید اعمال تاریکی را به سویی نهمیم و زره نور را در بر کنیم. <sup>۱۳</sup> بیایید آن گونه رفتار کنیم که شایسته کسانی است که در روشنایی روز به سر می برند. پس اوقات خود را در بزرها و میگساری و هرزگی و عیاشی و جدال و حسد سپری نکنیم، <sup>۱۴</sup> بلکه عیسی مسیح خداوند را در بر کنید و در پی ارضای امیال نفس خود مبادید.

## ایمانداران ضعیف و قوی

کسی را که ایمانش ضعیف است، بپذیرید، بی آنکه درباره مسائل مورد تردید، حکم صادر کنید. <sup>۱۴</sup> \* <sup>۲</sup> ایمان یکی به او اجازه می دهد هر غذایی را بخورد، اما دیگری که ایمانش ضعیف است، فقط سبزیجات می خورد. <sup>۳</sup> آن که همه چیز می خورد، نباید به آن که نمی خورد به دیده تحقیر بنگرد؛ و آن که همه چیز نمی خورد، نباید آن کس را که هر غذایی را می خورد، محکوم کند. زیرا خدا او را پذیرفته است. <sup>۴</sup> تو کیستی که بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می کنی؟ استوار ماندن یا فرو افتادن او به آرایش مربوط است. و او استوار هم خواهد ماند

۱:۱۴ یا: «بدون اینکه درباره دیدگاههای متفاوت او جرّ و بحث کنید».

۹:۱۳ خروج ۲۰:۱۳-۱۵ و ۱۷ و تثیبه ۵:۱۷-۱۹ و ۲۱. ۹:۱۳ لاویان ۱۹:۱۸.

زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند.

۵ کسی یک روز را از دیگر روزها مقدّس‌تر می‌شمارد؛ فردی دیگر، همهٔ روزها را یکسان می‌پندارد. هر کس در ذهن خودش کاملاً متقاعد باشد. آن که روزی خاص را مهم می‌شمارد، برای خداوند چنین می‌کند. آن که گوشت می‌خورد، برای خداوند می‌خورد، زیرا خدا را شکر می‌گوید. و آن که از خوردن گوشت می‌پرهیزد، او نیز برای خداوند چنین می‌کند و خدا را شکر می‌گزارد. <sup>۷</sup> زیرا هیچ یک از ما برای خود زندگی نمی‌کنیم و هیچ یک از ما برای خود نمی‌میریم. <sup>۸</sup> اگر زندگی می‌کنیم، برای خداوند است، و اگر می‌میریم، آن نیز برای خداوند است. پس خواه زندگی کنیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم. <sup>۹</sup> مسیح نیز به همین سبب مرد و زنده شد تا خداوندِ زندگان و مردگان باشد.

۱۰ پس تو چرا برادر خود را محکوم می‌کنی؟ و تو چرا به برادر خود به دیدهٔ تحقیر می‌نگری؟ زیرا همهٔ ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد. <sup>۱۱</sup> چرا که نوشته شده است:

«خداوند می‌گوید: به حیات خودم سوگند که

هر زانویی در برابر من خم خواهد شد

و هر زبانی به خدا اقرار خواهد کرد.»

۱۲ پس هر یک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد.

۱۳ بنابراین، بیایید از این پس یکدیگر را محکوم نکنیم. به جای آن، تصمیم بگیرید که هیچ سنگ لغزش یا مانعی در راه برادر خود مگذارید. <sup>۱۴</sup> من در مقام کسی که در عیسای خداوند است، اطمینان دارم که هیچ چیز به خودی خود نجس نیست. اما اگر کسی چیزی را نجس می‌شمارد، برای او نجس خواهد بود. <sup>۱۵</sup> اگر با خوراکی که می‌خوری برادرت را دردمند می‌سازی، دیگر بر پایهٔ محبت رفتار نمی‌کنی. با خوراک خود، برادر خویش را که مسیح به خاطر او

مرد، هلاک مساز. <sup>۱۶</sup> مگذارید در مورد آنچه شما نیکو می‌شمارید، بد گفته شود. <sup>۱۷</sup> زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، آرامش و شادی در روح القدس است. <sup>۱۸</sup> هر که بدین طریق مسیح را خدمت کند، خدا را خوشنود می‌سازد و پذیرفته مردم نیز هست.

<sup>۱۹</sup> پس بیایید آنچه را که موجب برقراری صلح و صفا و بنای یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم. <sup>۲۰</sup> کار خدا را برای خوراک خراب مکن! همه خوراکیها پاکند، اما خوردن هر خوراکی که باعث لغزش دیگری شود، عملی است نادرست. <sup>۲۱</sup> بهتر آن است که از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب یا انجام هر کار دیگر که باعث لغزش برادرت می‌شود، پرهیزی.

<sup>۲۲</sup> پس عقیده‌ات را درباره این امور، بین خود و خدا نگاه دار. خوشابه حال کسی که به خاطر آنچه مورد قبول اوست، خود را محکوم نمی‌کند. <sup>۲۳</sup> اما کسی که درباره خوردن خوراکی دچار تردید است، اگر آن را بخورد محکوم می‌شود، زیرا با ایمان نخورده است و آنچه از ایمان نباشد، گناه است.

ما که قوی هستیم، باید ناتوانیهای ضعیفان را متحمل شویم و در پی **۱۵** خوشنودی خویش نباشیم. <sup>۲</sup> هر یک از ما باید همسایه خود را خوشنود سازد، در آنچه برای او نیکو باشد و باعث بنایش شود. <sup>۳</sup> زیرا مسیح نیز در پی خوشنودی خود نبود، چنانکه نوشته شده است: «توهینهای توهین‌کنندگان به تو، بر من فرو افتاد.» <sup>۴</sup> زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می‌بخشد، امید داشته باشیم.

<sup>۵</sup> اینک خدای بخشنده پایداری و دلگرمی به شما عطا کند که در انطباق با مسیح عیسی با یکدیگر همفکر باشید، <sup>۶</sup> تا یکدل و یکزبان، خدا یعنی پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید کنید.

<sup>۷</sup> پس همان‌گونه که مسیح شما را پذیرفت، شما نیز یکدیگر را بپذیرید تا

خدا جلال یابد.<sup>۸</sup> زیرا به شما می‌گویم که مسیح برای نشان دادن امانت خدا، خدمتگزار یهودیان\* شد تا بر وعده‌هایی که به پدران داده شده بود، مهر تأیید زند،<sup>۹</sup> و تا قومهای غیریهود، خدا را به سبب رحمتش تمجید کنند. چنانکه نوشته شده است:

«از این رو، تو را در میان قومها اقرار خواهم کرد،

و در وصف نام تو سرودها خواهم سرایید.»

<sup>۱۰</sup> باز می‌گوید:

«ای قومها با قوم او شادی کنید.»

<sup>۱۱</sup> و نیز می‌گوید:

«ای همهٔ قومها، خداوند را حمد گوید،

و ای همهٔ امّت‌ها او را تسبیح بخوانید.»

<sup>۱۲</sup> و اِسْعِیَا نیز می‌گوید:

«ریشهٔ یسای پدیدار خواهد شد،

هم‌او که برای حکمرانی بر قومها بر خواهد خاست؛

به اوست که قومها امید خواهند بست.»

<sup>۱۳</sup> اینک خدای امید، شما را از کمال شادی و آرامش در ایمان آکنده سازد تا

با قدرت روح‌القدس، سرشار از امید باشید.

## خدمت پولس در میان غیریهودیان

<sup>۱۴</sup> ای برادران، من خود این اطمینان را دارم که شما خود از نیکویی مملو،

و از معرفت کامل برخوردارید و به پند گفتن به یکدیگر نیز تواناید.<sup>۱۵</sup> با وجود

۸:۱۵ در اصل یونانی: «خدمتگزار ختنه‌شدگان».

۹:۱۵ دوم سموئیل ۵۰:۲۲ و مزمو ۴۹:۱۸. ۱۰:۱۵ تثنیه ۳۲:۴۳. ۱۱:۱۵ مزمو

۱۰:۱۱۷. ۱۲:۱۵ اِسْعِیَا ۱۰:۱۱.

این، جسارت کرده، در باب موضوعاتی چند به شما نوشتیم، تا آنها را یادآورتان گردم، زیرا خدا این فیض را به من بخشیده است<sup>۱۶</sup> که خدمتگزار مسیح عیسی برای غیر یهودیان باشم و خدمت کهناتِ اعلامِ انجیلِ خدا را به انجام رسانم، تا غیر یهودیان هدیه‌ای مقبول به درگاه خدا باشند که توسط روح القدس تقدیس شده است.

<sup>۱۷</sup> پس در مسیح عیسی به خدمت خود به خدا افتخار می‌کنم. <sup>۱۸</sup> زیرا به خود اجازه نمی‌دهم از چیزی سخن بگویم، جز آنچه مسیح برای اطاعت غیر یهودیان\* از طریق من به انجام رسانیده است، چه به وسیله سخنان و چه از طریق کارهایم. <sup>۱۹</sup> او این را به نیروی آیات و معجزات، یعنی به نیروی روح خدا انجام داده است، آن‌گونه که از اورشلیم تا «ایلیریوم» دور زده، به انجیل مسیح به کمال، بشارت دادم. <sup>۲۰</sup> آرزویم همواره این بوده است که در جایی بشارت دهم که مسیح شناخته نشده، تا بر بنیادی که دیگری نهاده است، بنا نگذاشته باشم، <sup>۲۱</sup> بلکه چنانکه نوشته شده است:

«آنان که از او بی‌خبر بودند، خواهند دید

و کسانی که نشنیده بودند، درک خواهند کرد.»

<sup>۲۲</sup> به همین سبب، بارها از آمدن نزد شما بازداشته شده‌ام.

## برنامه پولس برای دیدار از روم

<sup>۲۳</sup> اما اکنون که در این مناطق، دیگر جایی برای کار من باقی نمانده، و از آنجا که سالهاست مشتاق آمدن نزد شما هستم، <sup>۲۴</sup> امید دارم سر راهم به اسپانیا، به دیدار شما بیایم تا پس از آنکه چندی از مصاحبت شما بهره‌مند شدم، مرا در سفر به آنجا یاری دهید. <sup>۲۵</sup> در حال حاضر آهنگِ اورشلیم دارم تا مقدّسان

۱۸: ۱۵ منظور: «اطاعت غیر یهودیان از خدا در ایمان آوردن به پیام انجیل است.»

۲۱: ۱۵ اِسْعِیَا ۵۲: ۱۵.

را در آنجا خدمت کنم،<sup>۲۶</sup> زیرا کلیساهای مقدونیه و آخائیه را پسند آمد که برای تنگدستانِ مقدّسانِ اورشلیم کمک مالی بفرستند.<sup>۲۷</sup> آنها خود به انجام این کار رغبت داشتند؛ و در واقع مدیون آنها نیز بودند، زیرا اگر غیریهودیان در برکات روحانی یهودیان شریک شدند، آنها نیز به نوبه خود این دین را به یهودیان دارند که با دارایی مادی خود، ایشان را خدمت کنند.<sup>۲۸</sup> بنابراین، پس از آنکه این کار را به انجام رساندم و مطمئن شدم که آنان این ثمره را دریافت کرده‌اند، با گذر از نزد شما، رهسپار اسپانیا خواهم شد.<sup>۲۹</sup> می‌دانم که وقتی نزد شما بیایم، با برکت کامل مسیح خواهم آمد.

<sup>۳۰</sup> ای برادران، به خاطر خداوند ما عیسی مسیح و محبت روح، از شما استدعا دارم که برای من به درگاه خدا دعا کنید، و با این کار در مجاهده من شریک باشید.<sup>۳۱</sup> دعا کنید از گزند بی‌ایمانانِ یهودیه جان سالم به در برم و خدمتم در اورشلیم نزد مقدّسانِ آنجا پذیرفته آید.<sup>۳۲</sup> آنگاه به خواست خدا می‌توانم با شادی نزد شما بیایم تا در کنار شما تجدید قوا کنم.<sup>۳۳</sup> خدای صلح و سلامت همراه همگی شما باشد. آمین.

## سلام و درود

خواهرمان فیبی را به شما معرفی می‌کنم. او از خادمان\* کلیسای شهر **۱۶** کنخریه است.<sup>۱</sup> او را در خداوند، آن‌گونه که شایسته مقدّسان است، بپذیرید و از هیچ کمکی که از شما بخواهد دریغ موزید، زیرا او به بسیاری، از جمله خود من، کمک فراوان کرده است.

<sup>۲</sup> به پریسکیلا\* و آکیلا، همکاران من در مسیح عیسی، سلام برسانید.<sup>۴</sup> آنان جان خود را به خاطر من به خطر انداختند، و نه تنها من، بلکه همه کلیساهای

۱:۱۶ یا «شماسه‌ها».

۳:۱۶ در اصل یونانی: «پریسکا»، که شکل کوتاه شده «پریسکیلا» است.

غیریهودیان از آنان سپاسگزارند. <sup>۵</sup> همچنین به کلیسایی که در خانه آنها بر پا می‌شود، درود برسانید. به دوست عزیزم اپیائیتوس سلام برسانید. او نخستین کسی بود که در آسیا به مسیح ایمان آورد. <sup>۶</sup> مریم را که برای شما زحمت بسیار کشید، سلام گوئید. <sup>۷</sup> به خویشاوندان من، آندرونیکوس و یونیا که با من در زندان بودند، سلام برسانید. آنان در میان رسولان، از چهره‌های برجسته‌اند که پیش از من در مسیح بوده‌اند. <sup>۸</sup> به آمپلیاتوس که او را در خداوند دوست می‌دارم، سلام برسانید. <sup>۹</sup> به همکاران در مسیح، اوربانوس، و دوست عزیزم استاخیس، سلام دهید. <sup>۱۰</sup> به آپلیس که امتحان خود را در مسیح پس داده، سلام برسانید. به افراد خاندان آریستوبولس سلام گوئید. <sup>۱۱</sup> به خویش من هیرودیون و نیز به آن اعضای خاندان نارکیسوس که در خداوند هستند، سلام برسانید. <sup>۱۲</sup> به تریفینا و تریفوسا، بانوانی که سختکوشانه در خداوند کار می‌کنند، و نیز به دوست عزیزم پرسیس،\* بانوی دیگری که در خداوند بسیار تلاش می‌کند، سلام دهید. <sup>۱۳</sup> به رؤس که در خداوند برگزیده است، و به مادر او که در حق من نیز مادری کرده، سلام برسانید. <sup>۱۴</sup> به آسینگریتوس، فلیگون، هرماس، پاتروباس و هرمس و برادران دیگری که با ایشان هستند، سلام گوئید. <sup>۱۵</sup> به فیلولوگوس، یولیا، نیریاس و خواهرش، و به اولیمپاس و همه مقدسانی که همراه ایشانند، سلام برسانید. <sup>۱۶</sup> یکدیگر را با بوسه‌ای مقدس سلام گوئید. همه کلیساهای مسیح به شما درود می‌فرستند.

<sup>۱۷</sup> ای برادران، می‌خواهم از شما استدعا کنم مراقب آن کسان باشید که عامل جدایی‌اند و در راه شما مانع ایجاد می‌کنند و با تعلیمی که شما یافته‌اید، مخالفت می‌ورزند؛ از آنان دوری کنید، <sup>۱۸</sup> زیرا این‌گونه اشخاص خداوند ما مسیح را خدمت نمی‌کنند، بلکه در پی ارضای شکم خویشند و با سخنانی زیبا و تملق‌آمیز بر افکار ساده‌لوحان تأثیر گذاشته، آنان را می‌فریبند. <sup>۱۹</sup> آوازه اطاعت شما در میان

همگان پیچیده است؛ بنابراین، از بابت شما بسیار شادمانم. اما از شما می‌خواهم در قبال آنچه نیکوست حکیم، و در قبال آنچه بد است، ساده باشید.

۲۰ خدای صلح و سلامت به زودی شیطان را زیر پاهای شما له خواهد کرد.

فیض خداوند ما عیسی همراه شما باد.

۲۱ همکارم تیموتائوس به شما سلام می‌گوید. خویشاوندان من لوکیوس،

یاسون و سوسیپاتروس نیز برای شما سلام می‌فرستند.

۲۲ من، تریوس، کاتب این نامه، در خداوند به شما سلام می‌گویم.

۲۳ گایوس که مهمان‌نوازی او شامل حال من و تمامی اعضای کلیسای اینجا

شده است، برای شما سلام می‌فرستد.

اراستوس که خزانه‌دار شهر است، و برادر ما کوآرتوس برای شما سلام دارند.

۲۴ و اکنون او را که قادر است شما را مطابق با انجیل من و موعظهٔ پیام عیسی

مسیح استوار گرداند - یعنی مطابق با مکاشفهٔ رازی که از ایام ازل مخفی داشته

شده بود، ۲۵ اما اکنون بر مبنای نوشته‌های انبیا مکشوف گردیده و به حکم خدای

سرمدی، به جهت اطاعت ایمان، به همهٔ قومه‌ها شناسانیده شده است - ۲۶ هم او را

که یگانه خدای حکیم است، به واسطهٔ عیسی مسیح تا به ابد جلال باد! آمین.